

### یادداشت

## نسل جنگ‌نדיده و تجربه جنگ

### سیدمهرادبنی‌هاشمی‌کهنگی

نسل‌ها فقط با تفاوت سنی از یکدیگر متمایز نمی‌شوند؛ آنچه نسل‌ها را از هم جدا می‌کند، تجربه‌های مشترکی است که جهان‌بینی آنان را شکل می‌دهد. برخی نسل‌ها با انقلاب تعریف می‌شوند. برخی با بحران‌های اقتصادی و برخی دیگر با جنگ. در ایران معاصر، جنگ هشت‌ساله ایران و عراق یکی از مهم‌ترین رویدادهایی بود که نه‌تنها ساختار سیاسی کشور، بلکه حافظه جمعی جامعه را نیز شکل داد. با این حال، بیش از سه دهه است که بخش بزرگی از جمعیت ایران، جنگ را نه به عنوان یک واقعت ملموس، بلکه روایتی تاریخی شناخته است. متولدین دهه‌های ۸۰۰۲۰ و ۹۰۰ خورشیدی در جهانی رشد کرده‌اند که جنگ برای آنان بیشتر یک تصویر آرشیوی، یک مستند تلویزیونی یا خاطره‌ای نقل‌شده از زبان پدران و مادران بوده است. اما تحولات اخیر منطقه و روزهایی که احتمال گسترش درگیری‌های نظامی به موضوع اصلی افکار عمومی تبدیل شد، این وضعیت را تغییر داد. ناگهان تاریخ از صفحات کتاب‌ها خارج شد و در برابر چشمان نسلی قرار گرفت که تصور می‌کرد جنگ پدیده‌ای متعلق به گذشته است. این رخداد صرفاً یک تحول امنیتی نبود، بلکه می‌تواند نقطه آغاز شکل‌گیری یک دگرگونی اجتماعی عمیق در ایران باشد.

### جنگ؛ فراتر از یک رخداد نظامی

در ادبیات علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، جنگ صرفاً به معنای برخورد نظامی میان دولت‌ها نیست. جنگ تجربه‌ای است که بر احساس امنیت، اعتماد عمومی، الگوهای رفتاری، نگرش‌های سیاسی و حتی تعریف افراد از آینده تأثیر می‌گذارد. جامعه‌ای که با جنگ مواجه می‌شود، ناگزیر پرسش‌هایی بنیادین را از نو مطرح می‌کند: امنیت چیست؟ دولت چه وظیفه‌ای در قبال شهروندان دارد؟ منافع ملی چگونه تعریف می‌شود؟ و تا چه اندازه می‌توان میان آزادی، رفاه و امنیت توازن برقرار کرد؟ در چنین شرایطی، شهروندان فقط شاهد یک بحران نیستند، بلکه خود به بخشی از آن تبدیل می‌شوند. حتی اگر هیچ گلوله‌ای به محل زندگی آنان اصابت نکند، احساس نااطمینانی می‌تواند شیوه نگاه آنان به زندگی و سیاست را دگرگون کند.

### شکاف تجربه؛ فاصله‌ای که کمتر دیده شده است

امروز جامعه ایران با پدیده‌ای روبه‌روست که می‌توان آن را «شکاف تجربه امنیتی» نامید. نسلی که دهه ۶۰ر پشت سر گذاشته است، جنگ را با همه ابعاد انسانی آن می‌شناسد؛ از آذیرهای خطر و خاموشی‌های شبانه گرفته تا اضطراب ناشی از بمباران، مهاجرت اجباری و فقدان عزیزان. برای این نسل، امنیت یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه بخشی از زیست روزمره و حافظه شخصی است. در مقابل، نسل جوان‌تر در فضایی متفاوت رشد کرده است. اولویت‌های این نسل بیشتر حول اشتغال، کیفیت زندگی، توسعه فردی، دسترسی به فناوری، آزادی‌های اجتماعی و امکان مشارکت در ساخت آینده شکل گرفته است. این تفاوت در تجربه زیسته، تفاوت در درک تهدیدها و اولویت‌ها را نیز به دنبال آورده است. به همین دلیل، آنچه برای یک نسل مسئله‌ای حیاتی تلقی می‌شود، ممکن است برای نسل دیگر در اولویت‌های پایین‌تری قرار گیرد. تحولات اخیر اما برای نخستین بار زمینه‌های مشترک برای گفت‌وگو میان این دو تجربه متفاوت فراهم کرده است.

### نسل‌شیکه‌های اجتماعی و مواجهه با واقعیت جنگ

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد نسل جدید ایران، تجربه بحران از طریق رسانه‌های دیجیتال است. نسل جنگ هشت‌ساله اخبار را از رادیو و تلویزیون دریافت می‌کرد. اما نسل امروز جنگ را به صورت لحظه‌ای، از طریق تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های فرامرزی دنبال می‌کند. در نتیجه، تجربه جنگ برای نسل جدید، تجربه‌ای متفاوت است. او نه‌تنها شاهد رخدادهاست، بلکه در معرض حجم عظیمی از روایت‌ها، تحلیل‌ها، شایعات، تصاویر و اطلاعات متناقض نیز قرار دارد. این وضعیت باعث شده است مفهوم امنیت در ذهن نسل جوان بیش از هر زمان دیگری با مفهوم «اطمینان از آینده» پیوند بخورد. برای بسیاری از جوانان، امنیت فقط به معنای نبود جنگ نیست، بلکه شامل ثبات اقتصادی، امکان برنامه‌ریزی برای آینده، حفظ امید اجتماعی و دسترسی به فرصت‌های برابر نیز می‌شود.

### بازتعریف رابطه دولت و جامعه

یکی از مهم‌ترین پیامدهای دوره‌های بحرانی، بازتعریف انتظارات شهروندان از حکومت است. در شرایط عادی، شهروندان مطالبات متنوعی از دولت دارند؛ از بهبود وضعیت اقتصادی گرفته تا توسعه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی. اما در شرایط بحرانی، مهم‌ترین انتظار جامعه به حفظ امنیت و مدیریت مؤثر بحران تبدیل می‌شود. با این حال، تجربه جهانی نشان می‌دهد امنیت پایدار صرفاً از مسیر ابزارهای نظامی حاصل نمی‌شود. امنیت زمانی ماندگار خواهد بود که با اعتماد عمومی، شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت اجتماعی همراه باشد.

جامعه‌ای که احساس کند در تصمیمات بزرگ ملی نادیده گرفته می‌شود، حتی در صورت برخورداری از امنیت فیزیکی نیز ممکن است دچار ناامنی روانی و اجتماعی شود. این منظر، تحولات اخیر بار دیگر اهمیت رابطه متقابل دولت و جامعه را آشکار کرده است؛ رابطه‌ای که بقای آن بیش از هر چیز به سرمایه اجتماعی وابسته است.

### حافظه جنگ و آینده سیاست در ایران

تمام جوامعی که جنگ را تجربه کرده‌اند، دیر یا زود با مسئله حافظه جمعی مواجه شده‌اند. پرسش اصلی این است که یک جامعه چگونه رخدادهای بحرانی را به خاطر می‌آورد و چگونه آنها را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند. اگر حافظه جنگ صرفاً به روایت‌های رسمی محدود شود، بخشی از واقعیت اجتماعی نادیده گرفته خواهد شد. از سوی دیگر، اگر جامعه نتواند از تجربه‌های تاریخی خود درس بگیرد، خطر تکرار اشتباهات گذشته افزایش می‌یابد. ایران امروز در نقطه‌ای قرار دارد که باید میان حافظه تاریخی و نیازهای نسل جدید پلی پایدار ایجاد کند. نه می‌توان تجربه نسل‌های پیشین را نادیده گرفت و نه می‌توان مطالبات و نگرانی‌های نسل جوان را کم‌اهمیت دانست.

### امنیت و امید؛ دو ستون آینده ایران

شاید مهم‌ترین درفش روزهای پرتنش اخیر، این باشد که آینده ایران نه صرفاً در میدان‌های نظامی و فقط در عرصه سیاست، بلکه در کیفیت رابطه میان نسل‌ها رقم خواهد خورد. نسل جنگ‌دیده حامل تجربه است و نسل جوان حامل چشم‌انداز آینده. هریک بدون دیگری ناقص خواهند بود. امنیت بدون امید به آینده دوام نمی‌آورد و امید نیز بدون امنیت پایدار شکل نمی‌گیرد. هنر حکمرانی در دهه‌های پیش‌رو آن خواهد بود که بتواند میان این‌ دو تعادل برقرار کند. مگر این صورت، شکافی که امروز در سطح تجربه‌های زیسته دیده می‌شود، در عمق است فردا به شکافی عمیق‌تر در عرصه اجتماعی و سیاسی تبدیل شود؛ شکافی که ترمیم آن بسیار دشوارتر از پیشگیری از شکل‌گیری آن خواهد بود. ایران پس از جنگ، بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگو میان نسل‌ها نیاز دارد؛ گفت‌وگویی که نه بر پایه ترس از گذشته، بلکه بر اساس مسئولیت مشترک در قبال آینده شکل گیرد.

### استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی از تغییرات روحی و اجتماعی جامعه پس از یک نقطه عطف تاریخی می‌گوید

# ایران پس از ۲۳ خرداد؛ روایت یک دگرگونی

سیدمهرادبنی‌هاشمی کهنگی در جریان یک مصاحبه

سیدمهرادبنی‌هاشمی کهنگی در جریان یک مصاحبه

**شرق:** بامداد ۲۳ خرداد برای بسیاری از ایرانیان فقط یک تاریخ نیست؛ نقطه‌ای است که میان «قبل» و «بعد» خط نامرئی کشید. هرچند آمار و پژوهش‌های مستندی در این زمینه وجود ندارد، اما نشانه‌های اولیه از تغییر در روحیه جمعی جامعه قابل مشاهده است. جامعه‌ای که تا پیش از آن، جنگ را بیشتر به‌عنوان تهدیدی دوردست و سیاسی می‌دید، اکنون بیش از گذشته به مفهوم جنگ، امنیت و جایگاه خود در معادلات منطقه‌ای و جهانی می‌اندیشد. در این میان، نه با یک جامعه یکدست، بلکه با مجموعه‌ای از گروه‌ها و هویت‌های متنوع مواجه هستیم که هرکدام برداشت متفاوتی از رخدادهای اخیر دارند. اما همگی ناگزیر شده‌اند نسبت خود را با مفاهمی همچون امنیت ملی، دولت، آینده و ایران بازتعریف کنند. برای بررسی آنچه در این یک سال بر مردم گذشته، «محمدتقی کریمی»، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. در این گفت‌وگو تلاش شده تصویری از این دگرگونی‌های ذهنی و اجتماعی ترسیم شود؛ از بازگشت مفهوم «دولت قدرتمند» به ادراک عمومی تا شکل‌گیری نوعی حافظه جمعی تازه که در قالب روایت‌ها، یادداشته‌ها و تجربه‌نگاری‌های روزمره خود را نشان می‌دهد.

**❗ اگر بخواهید جامعه ایران امروز را با جامعه پیش از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ مقایسه کنید، مهم‌ترین تغییری که در خلق و خو و روحیه جمعی مردم می‌بینید، چیست؟**

پاسخ به این پرسش دشوار است؛ چون به نظر می‌رسد ما در وقته‌هایی زمانی هستیم، وقفه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ و قبل از آن و خود سال ۱۴۰۲ را دیده‌ها و فراموش‌فرودهایی هستند که به نظر می‌رسد هنوز در حال صیوروت یا تبدیل‌شدن بوده و جامعه برای فهم آنها نیاز به فاصله‌گرفتن و انجام یک سری مطالعات دقیق دارد. بااین‌حال، اگر بخواهم جامعه ایرانی را از نظر خلقیات و روحیات قبل و بعد از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ بررسی کنم، به نظرم می‌رسد ما با یک جامعه یکدست مواجه نیستیم. با جوامعی مواجه هستیم که نیاز داریم ببینیم هرکدام از آنها چه حال‌وهوا و روحیاتی دارند. نکته اول، رسیدن جامعه ایرانی به اندیشه جنگ است؛ اینکه جامعه خودش را در معرض جنگ ببیند، اینکه احتمال جنگ را به‌عنوان یک اتفاق کوتاه‌مدت در نظر نگیرد. **❗ در یک سال گذشته، آیا شاهد تغییر در میزان اعتماد اجتماعی بوده‌ایم؟ مردم بیشتر به هم نزدیک شده‌اند یا فردگراتر و محتاط‌تر شده‌اند؟**

درباره نزدیکی مردم به همدیگر و چیزی که شاید بشود اسمش را انسجام اجتماعی گذاشت، واقعت این است که خیلی زود است قضاوت کنیم؛ چون ما هیچ پژوهش میدانی‌ای نداریم. ما بعد از نهم اسفند، یک‌سری جمععات شبانه داشتیم که اختصاص داشت به جمعیتی از مردم. در عین حال، در سطوح جامعه چیزی که بشود خیلی واضح دید و گفت که تغییری اتفاق افتاده، وجود ندارد. بااین‌حال، به نظر خود اینکه ما یک‌سری تغییرات را مشاهده نمی‌کنیم نیز باید درخور توجه و جذابی است. یعنی به نظر می‌رسد ما با یک جامعه جنگ‌زده مواجه نیستیم. ما با جامعه‌ای که مردم هراس از خطئی دارند، مواجه نیستیم. با جامعه‌ای که به‌اصطلاح مردم نگران فردا باشند، مواجه نیستیم. نمی‌خواهم ادعا کنم که مردم نگران نیستند؛ سطح ناراحتی‌های روانی و استرس‌ززا در بین مردم زیاد است و اتفاقاً نجات اینها خودش را نشان می‌دهد. اما به هر جهت ما می‌توانیم بفهمیم که جامعه در یک وضعیت ثبات است و از پروپاشی اجتماعی خبری نیست. یعنی جامعه همچنان دارد کار خودش را می‌کند و مردم دارند به زندگی روزمره‌شان ادامه می‌دهند و به تعبیری زندگی در ایران جاری است.

**❗ بسیاری می‌گویند بعد از بحران‌های بزرگ، آدم‌ها نگاه‌شان به آینده عوض می‌شود. آیا تصور ایرانی‌ها از آینده، برنامه‌ریزی بلندمدت و امید اجتماعی تغییر کرده است؟**

اینکه بعد از بحران‌های بزرگ چه اتفاقی می‌افتد، تا حد زیادی احتیاج به تحلیل دارد. اصلاً خود اتفاق بزرگ چیست؟ معمولاً بسیاری از اتفاقات در لحظه وقوع بزرگ هستند، ولی هر چقدر از آنها فاصله می‌گیریم، می‌بینیم چندان اتفاق بزرگی نبوده است. بعضی از اتفاقات نیز هستند که وقتی شما به لحاظ زمانی از آنها فاصله می‌گیرید، همچنان برایتان بزرگ هستند. اولین چیزی که در آن خود‌آگاهی جمعی باید اتفاق بیفتد، این است که آیا جامعه ایرانی به این نتیجه رسیده که اتفاق بزرگی را تجربه کرده یا نه. اگرچه من این احتمال را تقویت می‌کنم و به نظرم می‌رسد ما در آستانه این آگاهی قرار داریم، اما اینکه بعد از این ادراک از به‌اصطلاح اتفاقات بزرگ چه اتفاقاتی در یک جامعه می‌افتد، باید صبر کرد. معمولاً جوامعی که دارای تاریخ و هویت جمعی هستند، حتی اگر آسیب‌کلی ببینند نیز قفوس‌وار از خاکستر برمی‌خیزند و خودشان را می‌سازند و بازسازی می‌کنند. من اگرچه در کوتاه‌مدت نگران پیامدهای جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۲۰روزه هستم، ولی به نظرم در درازمدت اتفاقاتی که در این یک سال گذشته افتاد، افق جدیدی را برای مردم ما و روح جمعی دولت-ملت ایرانی باز می‌کند.

**❗ جنگ‌ها معمولاً فقط سیاست را تغییر نمی‌دهند؛ سبک زندگی را هم تغییر می‌دهند. در رفتارهای روزمره، خانواده، مصرف یا روابط انسانی چه نشانه‌هایی از این‌سبک تغییر می‌بینید؟**

قطعاً برای پاسخ به این پرسش که چه تغییراتی در سبک زندگی مردم اتفاق می‌افتد، زود است؛ البته بعضی از تغییرات در جامعه ما به‌شدت در حال وقوع است که تغییر تعیین‌کننده‌اش مسئله جنگ نیست، بلکه مسئله تورم است. مجموعه اتفاقاتی که بعد از تحریم اقتصادی در ایران و به‌خصوص بعد از اتفاقاتی که در نیمه دوم ۱۴۰۴ رخ داد، باعث شد جامعه ایرانی با چند مقوله درگیر شود. یکی از بین رفتن طبقه متوسط و افزوده‌شدن به حجم گروه‌های زیر خط فقر و گروه‌های مرزی که در خط فقر دست و پا می‌زنند، یعنی تلاش می‌کنند به زیر خط فقر سقوط نکنند. شاید این مهم‌ترین چیزی است که جامعه فعلی ما را توصیف می‌کند و مهم‌ترین مسئله، رواج نوعی فرهنگ دلالی و مصرف‌گرایی و سرمایه‌گذاری به قصد حفظ قدرت خرید پول در کشور است. مهم‌ترین جلوه آن را در بحث خرید ماشین می‌بینید که تقریباً تمام خانواده‌ها درگیر ثبت‌نام خودرو هستند به قصد حفظ ارزش پول و حفظ

### استاد جامعه‌شناسی جامعه پس از یک نقطه عطف تاریخی می‌گوید

# ایران پس از ۲۳ خرداد؛ روایت یک دگرگونی

سیدمهرادبنی‌هاشمی کهنگی در جریان یک مصاحبه

سیدمهرادبنی‌هاشمی کهنگی در جریان یک مصاحبه



عکس Gettyimages

ثروت. به دلیل اینکه مسکن دارد از سبید خرید خانوارها خارج می‌شود، خودرو جایگزین مسکن شده و البته خودرو هم به تدریج از این سبید خارج می‌شود و چیزهای دیگر مثل طلا، دلار و… جای آن را می‌گیرند. این روحیه دلال‌مآبی و خرید و فروش هیجانی، مهم‌ترین چیزی است که سبک زندگی جامعه ایرانی را توضیح می‌دهد.

**❗ به نظر شما این تجربه باعث شکل‌گیری نوعی حافظه جمعی جدید شده است؟ یعنی آیا می‌توان گفت اکنون یک «قبل» و «بعد» مشخص در ذهن جامعه شکل گرفته است؟**

پاسخ به این پرسش مثبت است و ما نشانه‌هایش را هم می‌بینیم. شما می‌بینید موجی از یادداشت‌نویسی تجربه‌نگاری و به‌اصطلاح مستندنگاری در قالب تجربه‌های زیسته در این روزها از سوی همه گروه‌ها رواج پیدا کرده که در مجموع به این روح جمعی و آگاهی از رخدادهای در حال وقوع کمک می‌کند. متعقد قدرت روایت‌سازی و وجود روایت‌های بدیل و ستیزنده در جامعه ایرانی، خبر از وجود آن خودآگاه جمعی می‌دهد. به سختی می‌توان گفت جامعه ایرانی تنها «یک» جامعه است؛ ما با چند جامعه در کنار هم مواجه‌ایم که در عین حال ذیل یک مفهوم بزرگ‌تر به نام جامعه ایرانی قابل جمع هستند و به هر جهت هر چقدر از سطح بالاتر به سطح پایین‌تر می‌آیم، این خودآگاهی‌ها تیزتر و شفاف‌تر می‌شوند.

**❗ در بحران‌ها معمولاً مرزهای هویتی پررنگ‌تر می‌شوند؛ این اتفاق باعث تقویت حس همبستگی ملی شده یا شکاف‌های اجتماعی را آشکارتر کرده است؟**

دوست داشتم بگویم نوعی یکدستی در جامعه ایرانی در حال تجربه‌شدن است، اما در واقعیت نوعی کفتمان هویت مرزی در حال شکل‌گیری است. درواقع همان نکته که در پاسخ پرسش قبلی گفتم که ما با یک‌سری جوامع موازی در جامعه خودمان مواجه‌ایم، در اینجا تأکید بر هویت‌های فرهنگی متفاوت یک متعارض و گاه متناقض است که ذیل یک مفهوم به نام ایران شکل می‌گیرد. اگرچه قبول دارم در ارتباط با مفهوم ایران توافقی وجود ندارد، اما تلاش می‌شود هر گروه و گفتمانی راجع به خود مفهوم ایران هم تأمل و ایده‌پردازی کند. من در مجموع این‌ را یک حرکت رو به جلو می‌بینم. به نظر می‌رسد جامعه ما در عین حال که بین هویت‌های متکثرش مرزگذاری جدی دیده می‌شود، همین جامعه تلاش می‌کند به مفهوم مشترکی برسد. اگرچه آن مفهوم مشترک را بازمم متفاوت صورت‌بندی می‌کنند، ولی به نظرم در درازمدت این تفاوت‌ها به حداقل می‌رسند و ما می‌توانیم به اشتراکاتی هرچند حداقلی در انسجام‌بخشی به جامعه ایرانی دست پیدا کنیم.

## مشارکت مردمی در تخریب محیط زیست

### سعیداعتمادی

### کارشناس ارشد حقوق محیط زیست

از جاه‌های غیرمجاز متوسل شده‌اند که خود مشوقی است بر گسترش روند برداشت‌های آزمندانه از ذخایر تاریخی آب‌های زرف و رخ‌نمون نشست مخاطره‌آمیز زمین در پهنه سرزمینی وطن. این پدیده که به نوعی می‌توان آن را مردم‌سالاری توصیف کرد، در عرصه‌های مختلف زیست‌محیطی نیز جریان است. بهره‌مندی از هوای پاک نیز از اساسی‌ترین زیرساخت‌های زیست انسانی است که به‌شدت مورد تهدید قرار دارد. در برنامه‌های پنج‌ساله که خط‌مشی و ریل‌گذاری پنج‌ساله کشور را مشخص می‌کند، همواره مقابله با آلودگی هوای شهرها مورد توجه برنامه‌ریزان کشور قرار داشته است که نتایج آن به‌صورت کارسوز و در مواردی برقی‌کردن وسایل نقلیه موتوری و گسترش مترو و اسقاط اتومبیل‌های فرسوده از نتایج آن است که شوربختانه در برنامه هفتم به نام «بیشرف» طراحی دولت سیزدهم و مصوب مجلس کنونی نه اثری از محیط زیست است و نه ذکری از آلودگی هوا و لزوم پیش‌بینی منابع برای مبارزه با آن. مهم‌ترین سمن در این امر شرکتی است که هوای پاک و آیین‌نامه اجرایی آن است که در سال ۱۳۹۶ تصویب شده است و در آن تکالیف مشخصی برای مقابله با آلودگی فراینده شهرهای بزرگ که مرگ سالانه ۵۰ هزار نفر متناسب به آن است، بر عهده دستگاه‌های اجرایی نهاده شده است. به‌طور مشخص در ماده ۶ این قانون همه خودروها از جمله موتورسیکلت‌ها مکلف به اخذ معاینه فنی شده‌اند اما بیش از ۹۵ درصد موتورسیکلت‌ها، که ۸۰ درصد آنها فرسوده هستند، فاقد معاینه فنی هستند و بدون هیچ‌گونه مانعی به تردد و تولید فراینده آلودگی فعال‌اند.

براساس بند ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون هوای پاک، صدور و تمدید پروانه فعالیت شرکت‌های پیک موتوری منوط به برقی‌کردن ناوگان موتورسیکلت تحت مدیریت آنها بوده است، اما مجوز این شرکت‌ها به‌راحتی از درگاه ملی مجوزها صادر می‌شود و اجازه تداوم فعالیت می‌گیرند و هر موتورسیکلت با هر میزان

### خبرخوان

## ۴۰درصد تخت‌های بیمارستانی در اشغال سالمندان

ایستنا؛ رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت با افزایش جمعیت سالمندان در سال‌های آینده و لزوم توجه به مباحث جوانی جمعیت، گفت: در حال حاضر هفت تا ۱۰ درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند، گفت: «در حال حاضر، حدود ۴۰ درصد تخت‌های بیمارستانی را سالمندان اشغال می‌کنند. جمعیت سالمندان طی سال‌های آینده افزایش می‌یابد؛ به نحوی که ۲۵ تا ۳۰ درصد جامعه را سالمندان تشکیل خواهند داد. چنین شرایطی، سبب فشار بر حوزه سلامت، بیمه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی می‌شود.»

او درباره جایگاه سالمندان در جامعه ایران توضیح داد: «سالمندان در فرهنگ ایرانی جایگاه قابل‌توجهی دارند و هیچ خانواده‌ای دوست ندارد که آنها را به خانه سالمندان ببرد؛ اما باید به فکر سالمندان تنها بود. اداره سلامت سالمندان وزارت بهداشت، جلسات خوبی برگزار کرده، به طور مثال، هزار و ۲۰۰ سالمند پرخطر با همکاری بهزیستی و شهرداری طی دوران جنگ شناسایی شده‌اند. خدمات مشاوره از دور و بسته‌های حمایتی ارائه می‌شود؛ عملکرد اداره سالمندان وزارت بهداشت خوب است اما کل کشور باید پای کار بیایند. بهزیستی و شهرداری نیز کمک می‌کنند که جامعه‌ای دوستدار سالمند، مادر و کودک و جوان داشته باشیم.»

سعیدی درباره بودجه‌های جوانی جمعیت گفت: «بودجه‌های کشور با سایر کشورها قابل‌مقایسه نیست. کره‌جنوبی حدود ۲۰۰ میلیارد دلار برای جوانی جمعیت هزینه کرده اما نتیجه نگرفته است. این ۲۰۰ میلیارد دلار با بودجه جوانی جمعیت در کشور ما که به میلیارد نمی‌رسد، قابل‌مقایسه نیست و این در حالی است که جمعیت ایران از کره جنوبی بیشتر است. ما باید از تجربه جهانی بهره بگیریم و بودجه‌ها را در امور اثرگذار هزینه کنیم.» عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم‌پزشکی شهید بهشتی گفت: «امور فرهنگی در زمینه جمعیت بسیار اثرگذار است؛ رسانه‌ها می‌بایست بنا به بهانه‌های مختلف به این موضوع بپردازند. دلیل عمده فرزندنیابوری، تغییر نگرش، ذهنیت و ارزش‌های اجتماعی است.» این عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم‌پزشکی شهید بهشتی با بیان اینکه «قوانین حوزه جوانی جمعیت» متعدد است، ادامه داد: «براساس قوانین حوزه جوانی جمعیت، دستگاه‌ها و مجموعه‌ها وظایفی برعهده دارند. وظایف وزارت بهداشت شامل مؤلفه‌هایی مانند مشاوره زمان ازدواج و آزمایش‌های زمان ازدواج می‌شود و مواردی مانند همسان‌گزینی کسرتده یا بیشترین زیان تنفس مستمر کارهای خطرناک توسط راکبان موتورسیکلت‌های فرسوده، اما در واقعیت امر هم صاحبان موتورسیکلت‌های فرسوده نیز از تعلیق اجرای قانون بهره می‌برند. در اجرای طرح ترافیک نیز همین حکم صادر است، یعنی فروش مجوز ورود به محدوده طرح و ایجاد آلایندگی فزون‌تر، با پرداخت وجه و تأمین منابع برای شهرداری.

در عرصه ساخت‌وساز نیز همین سازوکار برقرار است. بنای هر ساختمان با دست‌اندازی به طبیعت و استخراج معادن آهن و سنگ و گچ و آهک و فراوری آنها با مصرف سوخت‌های فسیلی برای تولید انرژی حاصل می‌شود. با استناد به مفهوم ماده ۱۳ الحاقی (مصوب ۳۱۱-۱۳۷۶) قانون تملک آپارتمان‌ها، واحدهای ساختمانی که از مواد معدنی و انرژی بسیار، حاصل از سوخت‌های فسیلی بنا می‌شوند، صرفاً با تصمیم و اراده جمعی مالکان این واحدها، صرف‌نظر از اینکه چه مدتی از عمر ساختمان سپری شده باشد مجوز تخریب و نوسازی می‌گیرند و مصالح تخریبی به عنوان نخاله‌های تحمیل بر طبیعت سربار می‌شود. درحالی‌که در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا ساختمان با عمر بیش از صد سال صرفاً مجوز نوسازی نما و تغییر معماری داخلی دریافت می‌کنند. فروش انواع تراکم ساختمانی نیز که به‌نوعی فروش ضوابط مصوب شهرداری است، علاوه بر اینکه موجب تخریب منظر شهر و سربرآوردن برج‌های مسکونی در خیابان‌های تنگ می‌شود، موجبات ترافیک بیشتر و در نتیجه تولید آلایندهی فزون‌تر را فراهم می‌آورد. در این زمینه نیز هم رضایت و منفعت مردمان برآورده می‌شود و هم درآمد قابل توجه برای شهرداری با کارکنان پرشمار و هزینه‌های سنگین فعالیت‌های خارج از وظایف قانونی، با اهتمام تمامی دستگاه‌های حکومتی در اجرای قوانین مصوب شاید بتوان روند فراینده تخریب محیط زیست و آلودگی هوا را متوقف کرد تا مگر توصیه جناب پزشکشان در اولویت‌افتن پایداری زیرساخت‌ها در هر تصمیم حاکمیتی معنا پیدا کند و باورپذیر شود.

### تابستان؛

### ۲درجه گرم‌تر از میانگین

ایلنا؛ رئیس مرکز پیش‌بینی هواشناسی گفت: «از اواسط هفته آینده، به‌تدریج روند افزایش دما شکل می‌گیرد و هوای تهران گرم‌تر می‌شود. همچنین دمای هوا در تابستان سال جاری به‌طور تقریبی بین یک تا دو درجه بیشتر از میانگین بلندمدت خواهد بود.»

صادق ضیائیان، ادامه داد: «اگرچه با افزایش دمای هوا در پایان هفته مواجه بودیم، اما دوباره در دو روز دیگر، یعنی شنبه و یکشنبه، شاهد کاهش نسبی دما خواهیم بود.» او با اشاره به وضعیت بارشی در غرب کشور و سواحل خزر، به‌ویژه در ساعات بعدازظهر، برای های پراکنده را شاهد خواهیم بود. بارش هفته آینده، پدیده‌های بارشی بسیار اندک خواهد شد و وضعیت جوی تقریباً به حالت تابستانی در خواهد آمد.»